

جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی

دکتر بهرام اخوان کاظمی*

چکیده

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کار ویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. مقاله حاضر ضمن لحاظ سرایت برخی ناکارآمدیها به بخشهایی از بدنه مدیریتی کشور، به دنبال پاسخ این سؤال است که: مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی در نظام سیاسی اسلامی به چه معنا و دارای چه شاخصه‌هایی است و از سویی چه راهکارهایی برای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین نماد انقلاب اسلامی قابل پیش بینی و پیشنهاد است؟ نویسنده در راستای پاسخ به این سؤال مهم در عرصه علم مدیریت و سیاست، تلاش کرده است با شناسایی چالشهای کارآمدی، راه‌حلهایی را برای غلبه بر آنها عرضه بدارد.

مقدمه

مفهوم کارآمدی^۱ و کارایی^۲ از مهم‌ترین مفاهیم علوم مدیریت و اقتصادند و تقریباً از چند دهه

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

1. Effectiveness.
2. efficiency.

گذشته در عرصه علم سیاست نیز به طور جدی مطرح شده‌اند. چون هر سامانه مدیریتی و هر سازمانی به دنبال بیشتر کردن کارآمدی و کارایی خویش است، بدیهی است که گسترده‌ترین و مقتدرترین سازمان موجود، (نهاد دولت) هم به دنبال دست یابی به این هدف حیاتی خواهد بود تا با داشتن پیشینهٔ مشروعیت اولیه، به مشروعیت سازی جدیدی دست یازد و مشروعیت ثانویه یا کارآمدی را نیز کسب کند و بدین وسیله دوام و پایداری خویش را، با تحصیل رضایت افزون‌تر شهروندان، بیش از پیش تضمین کند.

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کار ویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. امروزه با گذشت بیست و شش سال از انقلاب اسلامی و مردمی ایران و بالطبع با تأسیس جمهوری اسلامی، کمتر کسی تردیدی در پایه‌های مشروعیت این نظام روانی دارد؛ اما این نیز واقعیت دارد که هر حکومتی ممکن است در عرصه تحقق کار ویژه‌ها، و وظایف و اهداف خود با درجه‌ای از ناکارآمدی و دغدغه آن روبه‌رو شود. از سویی متأسفانه برخی نیز عناد و رزانه سعی در ایجاد شبهه ناکارآمدی حکومت دینی و تشکیک در توان آن برای پاسخگویی به انتظارات مردم دارند. این در حالی است که کاهش کارآمدی، بیماری گریزناپذیر هر نظام سیاسی است و نظام‌هایی موفق اند که همواره با ارائه راهکارهای نظری و عملی سعی در علاج این بیماری موسمی دارند؛ هر چند این مداوا قطعی نیست و موقت است. از سوی دیگر حتی نظام‌های کارآمد نیز به دنبال تجربه راه‌های جدیدی برای افزایش کارآمدی خود هستند؛ زیرا این واقعیت دارد که ناکارآمدی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه و پیشرفت هر کشور و از عوامل مخمل عمده این مسیر است و هر گونه طراحی توسعه باید جای ویژه‌ای را برای ارتقای کارآمدی در کلیه جوانب و عرصه‌ها قائل باشد.

در این راستا مقاله حاضر، با لحاظ سرایت این ناکارآمدی به بخش‌هایی از بدنه مدیریتی کشور، به دنبال پاسخ این سؤالها است که «مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی به چه معناست؛ چه شاخصه‌هایی دارد؛ و چه راهکارهایی برای افزایش کارآمدی نظام فعلی جمهوری اسلامی قابل پیش‌بینی و پیشنهاد است؟»

در زمینه این پژوهش، تحقیقات بسیار ناچیزی صورت گرفته و اکثریت آنها به صورت مقاله است و عمدتاً در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است همانطور که در مباحث آتی خواهد آمد، دو مفهوم کارآمدی و کارایی تفاوت معنایی دارند؛ اما به دلیل عدم رعایت این تمایز از سوی بسیاری از مولفان، این دو در مقاله گاهی و از سر ناچاری به صورت مترادف به کار رفته‌اند.

فصل اول: کارآمدی و علم و مدیریت

بخش اول: نقش و جایگاه اساسی کارآمدی در علم مدیریت

سازمان و تشکیلات در تمام سطوح زندگی آدمیان حضور دارد و اکثر مردم بیشتر عمر خود را در سازمان و سروکار داشتن با آن سپری می‌کنند. مدرسه یک سازمان است و محصلان اعضای آن می‌باشند. دولت نیز نهادی بزرگ است که شهروندان آن اعضایش هستند. ویژگی نهادی هر سازمان در رفتار هدف‌دار آن است. سازمان در تعقیب اهدافش با تمرکز فعالیت افراد و گروهها بر اهداف بلند مدت و کوتاه مدت، می‌تواند به صورت کارا و کارآمدتر به آنها دست یابد و این دستیابی به اهداف بلند مدت و کوتاه‌مدت، می‌تواند به صورت کارا و کارآمدتر به آنها دست یابد و این دستیابی به اهداف در گرو مدیریت بهینه و صحیح این نهادها می‌باشد. بدین‌سان کارآمدی و کارایی مهم‌ترین مسئولیت مدیران است؛ زیرا اساساً در مدیریت بهینه، کارآمدی و کارایی رکن اصلی را ایفا می‌کند؛ چون در واقع مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد.^۱ هم‌چنانکه گفته‌اند مدیریت عبارت است از اعمال تدابیر و اقدامات لازم در چارچوب یک نظام ارزشی خاص در جهت تعیین اهداف و به‌کارگیری عوامل کار با اثر بخشی و کارایی مطلوب.^۲

۱. رضا رضائیان، اصول مدیریت، ص ۶.

۲. ناصر میرسپاسی، آیا در مدیریت دولتی اثر بخشی بر کارایی تقدم دارد؟ مدیریت دولتی، سال اول، پائیز ۱۳۶۶،

بخش دوم: مفهوم کارایی و کارآمدی در علم مدیریت

مفاهیم کارایی و کارآمدی و اثربخشی در بسیاری از فرهنگها و متون مرتبط با علم اقتصاد و دانش مدیریت، به شکل متداخل و مترداف به کار گرفته شده‌اند، مثلاً هر سه واژه را به معنای «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص»^۱ تعریف کرده‌اند در حالی که این سه مفهوم حداقل در دو حوزه معنایی قابل تفکیک‌اند. تقریباً در ترادف صحت و به کارگیری دو واژه کارآمدی و اثربخشی تردیدی نیست و امروزه در زبان فارسی هر دو را از همدیگر مراد می‌کنند با این حال باید توضیح داد که کارایی و کارآمدی به چه معنا است. رابطه میان این دو جنبه کار از اهمیت بسزایی برخوردار و بیانگر معضل بی پایان مدیران است. به عنوان نمونه، همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا در مدیریت، اثربخشی و کارآمدی اولویت دارد یا کارایی یا ارزش هر دو یکسان است؟^۲ صاحب نظران، کارآمدی را در گرو کسب هدفهای تعیین شده و رضایت خاطر کسانی که در رسیدن به اهداف نقش دارند، می‌دانند؛ اما «کارایی در به کارگیری و تخصیص منابع تولید، در استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه برای هر میزان تولید است و این مستلزم آن است که اولاً از ضایعات و سطح اندک کارایی تکنولوژیک اجتناب شود و ثانیاً برای دستیابی به فرآیند تولیدی به کمترین هزینه، داده‌ها با مناسب‌ترین قیمت انتخاب گردند»^۳.

بدین ترتیب «هنگامی از کارایی سخن به میان می‌آید که منابع لازم بر کسب هدف با آنچه واقعاً به انجام رسیده است، مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ هر چه نسبت سود به هزینه مطلوب‌تر باشد، کارایی بیشتر خواهد بود. مسئولیت مدیران، برقراری تعادل میان کارآمدی و کارایی است از یک سو مدیر باید با انجام رسانیدن کار، کارآمدی خود را به منصفه ظهور گذارد و از سوی دیگر نیازمند کارایی با کاهش هر چه ممکن هزینه‌ها و صرفه‌جویی در منابع محدود است. تأکید بیش از اندازه بر یکی از این دو ساحت، نشانه سوءمدیریت است. مدیرانی که در

⇨ ص ۸.

۱. حسن گلریز، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، ص ۱۷۱.

۲. برای نمونه ر.ک: میرسپاسی، پیشین، ص ۷-۱۷.

۳. ر.ک: سیاوش مریدی، علیرضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، ص ۵۷۵.

به کارگیری منابع خست نشان می‌دهند، نمی‌توانند کار را به طور مؤثر به انجام رسانند و مدیرانی که ائتلاف منابع دارند، ممکن است کار را به انجام رسانند؛ ولی بقای سازمان را به خطر می‌اندازند؛ زیرا ما در جهان کمیابی^۱ زندگی می‌کنیم و نه تنها هر فرد باید از به اتمام رسیدن انرژی و منابع مادی غیر قابل تجدید، بلکه از مصرف بی رویه و افراطی این منابع، نگران باشد.

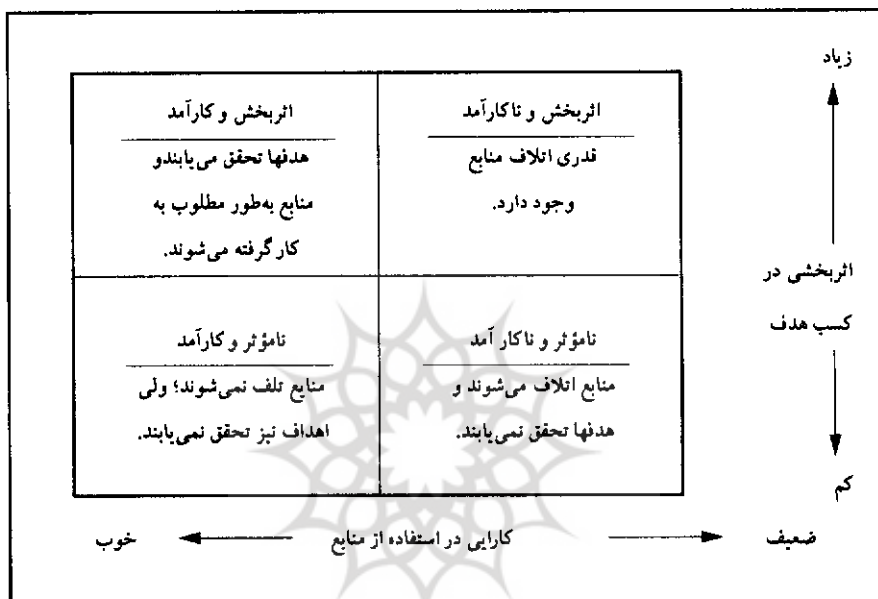
به دلیل تمرکز مشترک اقتصاد و مدیریت بر منابع، رابطه تنگاتنگی میان این دو دانش وجود دارد. اقتصاد مطالعه چگونگی توزیع منابع محدود میان مصارف گوناگون را به عهده دارد و مدیران در سازمانهای مولد، متولیان منابع محدود هستند و وظیفه آنان مراقبت از به کارگیری عوامل اصلی تولید، زمین، سرمایه و اطلاعات به طور کارآ و کارآمد است^۱ از این رو برخی از صاحب‌نظران، مدیریت را «اقتصاد کاربردی» نامیده‌اند.^۲

صاحب‌نظران علم مدیریت از دو شاخص «اثربخشی» (کارآمدی) و «کارایی» برای ارزیابی عملکرد مدیران و سازمان استفاده می‌کنند، برای ارزیابی کار یا میزان کسب هدف، از شاخص اثربخشی عملکرد استفاده می‌شود. برای مثال، اثربخشی عملکرد یک سرپرست تولید، بدین گونه سنجیده می‌شود: واحد تحت سرپرستی وی، از حیث کمیت و کیفیت خروجیها، به چه میزان از خرده هدفهای روزانه خود رسیده است. «کارایی عملکرد»؛ شاخصی است که هزینه منابع صرف شده در فراگرد «کسب هدف»، را ارزیابی می‌کند، یعنی با مقایسه خروجیهای به دست آمده و ورودیهای مصرف شده، کارایی سیستم را ارزیابی می‌کند به این ترتیب برای سنجش کارایی، علاوه بر هزینه تأمین منابع انسانی (به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل)، هزینه استفاده از تجهیزات، نگهداری تسهیلات و نرخ بازگشت سرمایه و نظایر آن مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در این تعبیر از کارایی، کارآترین سرپرست، کسی است که واحدش

۱. امروزه در مبحث کارآیی اقتصادی، که به دنبال حداکثر متوسط مقدار تولید در هر کارگر است، صحبت از مهندسی کارایی Efficiency Engineering می‌شود، یعنی کسی که وظیفه او مطالعه طریقه‌ها و شیوه‌های نظارت بر تولید، به منظور از بین بردن ضایعات و ایجاد روشهای مؤثرتر در عمل است، (ر. ک: منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی، ص ۳۴۱).

۲. علی رضائیان، کارآمدی و کارایی مهمترین مسئولیت مدیران، فصلنامه دانش مدیریت، ش ۱۴، پائیز ۱۳۷۰، ص ۳.

بتواند با کمترین هزینه مواد و دستمزد روزانه کار کند. در واقع موفقیت واقعی مدیر در گرو اثربخشی فعالیت وی برای کسب هدف و کارایی عملکرد است.^۱ نمودار زیر مبین این مطلب است:



نمودار ۱. اهمیت اثربخشی و کارایی عملکرد برای ارزیابی موفقیت مدیران^۲

فصل دوم: کارآمدی و عرصه سیاست

مبحث کارآمدی و کارایی نیز در علم و عمل سیاست دارای جایگاه وزین و با اهمیتی است؛ زیرا در هر حال، هر نظام سیاسی، گسترده ترین و کلان ترین شکل یک نظام مدیریتی است و خواه و ناخواه دستیابی به حداکثر کارآمدی و کارایی این نهاد، جزء اصلی ترین خواسته های سامانه سیاسی است.

۱. علی رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۱۹.

۲. همان.

در حوزه مباحث مفاهیم سیاسی، معمولاً رابطه کارآمدی با مفاهیمی مانند مشروعیت و اقتدار سنجیده می‌شود. از سویی مفهوم کارآمدی و کارایی نیز جزء مفاهیم کلیدی در حوزه نظریات توسعه - و به‌ویژه توسعه سیاسی - است، که ذیلاً به برخی آنها اشاره می‌شود.

بخش اول - کارآمدی و مشروعیت

از مشروعیت تعاریف فراوانی کرده‌اند؛ اما در مجموع پرسش از چرایی الزام و التزام سیاسی^۱ پرسش از مشروعیت است. این مفهوم به معنای میزان اعتقاد شهروندان به دولت، به مثابه تجسم بخش منافع آنها و باور به حقانیت و شایستگی دولت در برخورداری از قدرت و اعمال آن بر شهروندان است. به تعبیر رابرت دال:

وقتی حکومتی مشروعیت دارد که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه ساختارها، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات و رهبران یا حکومت از شایستگی، درست کاری، یا خیر اخلاقی و از حق صدور قواعد الزام آور برخوردار باشند^۲

مشروعیت از نظر لغوی گاهی به معنای «حقانیت»، گاه «قانونی بودن» و زمانی به معنای 'مقبولیت و پذیرش عمومی' است. عالی‌ترین سطح مشروعیت در برگیرنده هر سه تعبیر از این مفهوم است؛ اما مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آنها تعامل و ارتباط دو جانبه و مستقیمی وجود دارد و به عبارتی هنگامی که پایینیها نخواهند و بالاییها نتوانند سقوط و سرنگونی حتمی است. کارایی با بازده عملی هر سامانه (سیستم) مترادف است و منظور از آن نتیجه بخش بودن یک طرح، برنامه یا سیاست است. نظام سیاسی آن‌گاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌های را که بیش‌تر مردم با حکومت شوندگان از آن انتظار دارند، انجام دهد. وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه شهروندان، به ویژه پاسداری از آسایش و امنیت

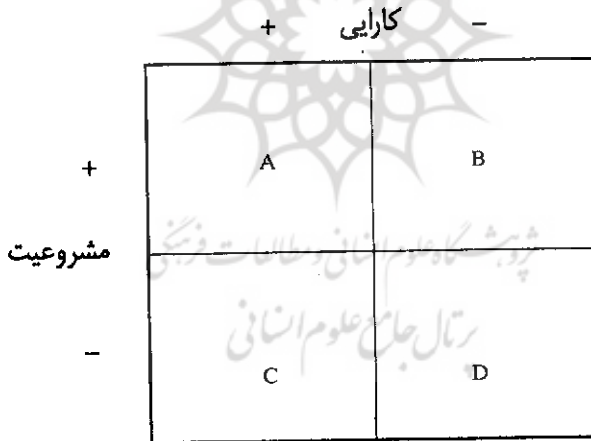
1. Political obligation.

۲. رابرت دال، تجزیه و تحلیل علم سیاست، حسین ظفریان، ص ۷۰.

تک تک آنان در اجتماع است. پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارایی آن است.

بدین ترتیب رابطه بین مشروعیت و کارایی در یک نظام سیاسی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا بودن یا نبودن یکی، می‌تواند در دراز مدت به رشد یا از دست رفتن دیگری منجر شود. احتمالاً "لیپست" اولین شخصی بود که به‌طور اخص رابطه بین مشروعیت و کارایی را تجزیه و تحلیل کرد و بحث نمود که ثبات یک رژیم به رابطه بین این دو مفهوم بستگی دارد. لیپست کارایی عملکرد حقیقی و واقعی حکومت یا برآورد شدن کار ویژه‌های اساسی حکومت توسط نظام تعریف می‌کند.^۱

در هنگام رویارویی با بحران کارایی (مانند فشار اقتصادی)، ثبات رژیم تا حد بسیاری به مقدار مشروعیتی که دارد، بستگی خواهد داشت. این مطلب در نمودار لیپست که در آن پویایی مشروعیت و کارایی نشان داده شده، آمده است.



شکل ۱. نمودار لیپست

بر اساس این نمودار اگر رژیمی خود را در خانه A بیابد، درجه بالایی از مشروعیت و کارایی

1. See, S.M.Lipset, "political Man, The social Basis of politics", New York: Doubleday, 1959, P.77.

را داراست. این رژیم لحظه بحران از خانه A به B حرکت می‌کند که نشان دهنده از دست رفتن کارایی با حفظ مشروعیت است و زمانی که بحران برطرف شود، به جای اصلی خویش (خانه A) باز می‌گردد.^۱

مشروعیت بالای یک نظام سیاسی به‌طور قابل توجهی تمایل و اشتیاق مردم برای تحمل کمبودها و نقائص کارایی را افزایش می‌دهد. در مقابل اگر رژیمی خویش را در خانه C (درجه بالایی از کارایی و درجه کمی از مشروعیت) بیابد، بحران کارایی رژیم مورد نظر را به خانه D حرکت خواهد داد. و آن موقع رژیم احتمالاً ساقط خواهد شد.

با این توضیحات روشن می‌شود که کارآمدی هم منبع مشروعیت است، هم مشروعیت را مایه تقویت آن. در حقیقت کارآمدی در حوزه مفهوم "مشروعیت یابی"^۲ قرار می‌گیرد که به معنای فرآیندی است که طی آن حکومتها به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و همچنین بالابردن درجه رضایت مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مقبولیت اجتماعی و موقعیت سیاسی خود را تثبیت و به عبارتی "مشروعیت ثانویه" را تحصیل کنند.

در توضیح بیشتر باید گفت "مشروعیت اولیه یا پیشینی، حقی است که برای یک فرد یا گروه در به دست گرفتن حکومت و اعمال قدرت فرض می‌شود. در حالی که مشروعیت ثانویه یا جاری، توانایی اعمال و حفظ این حاکمیت است. رابطه این دو مشروعیت به تغییر دقیق‌تر "مشروعیت" و "مشروعیت یابی" یا مشروعیت و کارآمدی به صورت زیر است:

مشروعیت پیشینی <--- شکل‌گیری قدرت <--- استقرار اعمال قدرت <--- مشروعیت جاری یا ثانویه (کارآمدی)

بر این مبنای کارآمدی مشروعیت را از نوع مشروعیت مکمل و ثانویه است.^۳

بخش دوم: کارایی و کارآمدی و نظریات توسعه

از دهه شصت میلادی، همراه با نضج نظریه‌های توسعه، مبحث کارآمدی به عنوان مؤلفه‌ای

1. Ibid, p 81.

2. Legitimation

۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک: سعید حجازیان، مسئله مشروعیت سیاسی، راهبرد، ش ۳، بهار ۱۳۷۳، ص ۸۱.

مشروعیت‌زا و مؤثر در بقاء، استحکام و رشد و ترقی نظام‌های سیاسی و برطرف کننده خللها و بحران‌های سامانه ایی (سیستمیک) آن، اهمیتی روز افزون یافت و بررسی تعاملات این مفهوم با مفاهیم مهمی مانند مشروعیت در دستور کار اندیشمندانی مانند "لیبست" قرار گرفت. اندیشمندان "نظریه‌های کارکردگرایی ساختاری"^۱ و حوزه "سیاست‌گذاری عمومی" مفهوم کارآمدی و رابطه آن با "نظریه بحران"^۲، و نظریه سیستمها^۳ را مورد بحث قرار دادند که از جمله آنها می‌توان به لوسین پای^۴، گابریل آلموند^۵، تالکوت پارسونز^۶، روبرت مرتون^۷، و بینگهام پاول^۸ اشاره کرد. این پژوهش‌های دامنه‌دار - به دلیل رویاروی قطعی همه نظام‌های سیاسی با درجاتی از ناکارآمدی و مخاطرات آن - همچنان ادامه دارد.

به عنوان نمونه در نظریه بحران‌های لوسین پای به این مبحث اشاره شده است. وی در کتابش با نام "جنبه‌های توسعه سیاسی"^۹ به تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی معتقد بوده و چنین برداشت می‌کند که تمام جوامع نشانه‌های مشترکی از نوگرایی دارند که ما را به مثلث «تقویت مساوات، بهبود کاراییهای سیاسی، تمایز گذاری ساختاری، هدایت کنند»^{۱۰} یعنی نوگرایی توسعه مزبور منوط به تحقق این سه ضلع است. از دید پای، مبنای توسعه سیاسی افزایش ظرفیت سیستمیک و تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها در راستای پاسخگویی به خواسته‌های مردم و عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های شش گانه - بحران هویت،^{۱۱}

1. Structural functional Theory.

2. Crisis Theory.

3. Lucian w.pye.

4. Gabriel A.Almond.

5. Talcot parsons

6. Robert K.Merton.

7. Bingham Powell.

8. See, lucian w.pay, Aspect of, Aspect of political Development, Boston, 1966.

9. Op, cit, pp, 45-47.

10. Identity crisis.

بحران مشروعیت،^۱ بحران نفوذ،^۲ بحران مشارکت،^۳ بحران ادغام^۴ و بحران توزیع^۵ - در مسیر پریچ و خم و دشوار توسعه است.

پای^۶ سه ضلع مثلث پیش گفته - در حقیقت سه پایه نوگرایی و توسعه را چنین شرح می‌دهند:

تقویت مساوات، بر فرضیه ظهور شهروندان فعال و مسئولی استوار است که هر یک با عنوانی یکسان (شهروند) مصمم به مشارکت در زندگی سیاسی جامعه خویش‌اند. این فرایند با استقرار قوانین جهان‌شمول و یکسان برای همه و مشی واحدی از عضوگیری سیاسی همراه است که تنها به شایستگی فرد بستگی دارد و اقبال ترقی برای همه فراهم است.

بهبود کاراییهای نظام سیاسی، در بردارنده تقویت کنش حکومت، کارایی و عقلانیت آن است و ترجمان این امر تلاش پیگیر برای نوآوری با دگرگونیها از طریق بسیج وقفه و فزاینده منابع مختلف انسانی و مادی و همچنین روند نشر و باز تولید ارزشهای اساسی است، به گونه‌ای که مقاومت نظام سیاسی را تضمین کند.

تفاوت‌گذاری ساختاری، یعنی ساختارهای نظام سیاسی در راستای پاسخگویی به نیازهای مردم از سادگی خارج و ضمن برخورداری بیشتر از تنوع لازم، صاحب تخصصهای متعدد و مختلف شوند. بدین صورت نهادها تخصصی و فرعی حاصل شده، ظرفیت عملکردی و کارایی سیستم را بهینه خواهند کرد.^۶

بخش سوم: کارایی و سیاست‌گذاری عمومی

سیاست عمومی^۷ در حقیقت همان سیاست‌گذاریهای یک نظام سیاسی در عرصه داخلی است

1. Legitimacy crisis.
2. Penetration crisis.
3. Participation crisis.
4. Fusion crisis.
5. Distribution crisis.
6. Ibid, pp, 63 - 66.
7. Pulic policy.

که در حوزه‌های مختلف (مانند: بهداشت، آموزش و پرورش همگانی، بیمه‌های اجتماعی، تورم، اشتغال، بودجه بندی، وضع و اخذ مالیاتها و...، صورت می‌پذیرد.

بسیار بدیهی است که میان سیاست یا سیاست‌گذاری عمومی - بروندهای یک نظام سیاسی - و میزان کارایی و اثربخشی آن نظام، تعامل معنادار و مستقیمی وجود دارد و افزایش این دو کاملاً متأثر از یکدیگر است، یعنی سیاست‌گذاری بهینه‌تر، کارآمدی افزون‌تر را به دنبال خواهد داشت.

امروزه برای سیاست عمومی چهار عملکرد اساسی «استخراج^۱، توزیعی^۲، تنظیمی^۳ و نمادین^۴» را ترسیم می‌نمایند. که در حقیقت همان بروندها یا اقداماتی است که دولتها به منظور دستیابی به اهدافشان اتخاذ - می‌کنند.

این اقدامات به شرح زیر است:

نخست. استخراج منابع - پول، کالا، اشخاص و خدمات - از محیط داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

دوم. فعالیت دوم، فعالیت توزیعی است، یعنی کدام پول، کالا و خدمات در بین چه کسانی توزیع می‌شود.

سوم. فعالیت تنظیمی جهت رفتار انسانها است که شامل استفاده از اجبار و اقناع برای تأمین پیروی افراد در زمینه فعالیت‌های استخراجی و توزیعی با ایجاد رفتار مطلوب از هر طریق دیگر می‌شود.

چهارم. عملکرد نمادین است، یعنی استفاده رهبران از سخنرانیهای سیاسی، تعطیلات، مراسم، بناهای یاد بود و بیکرهای عمومی و نظایر آن برای ترغیب شهروندان به در پیش گرفتن اشکال مطلوب رفتار، ارائه الگوهای الهام‌بخش، آموزش دادن مردم، و جامعه‌پذیر ساختن جوانان.^۵

1. Extraction.
2. Distributive.
3. Regulation.
4. Symbolic.

۵. ر. ک: آلموند گابریل و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، علیرضا طیب، ص ۲۲۶.

فصل سوم - شاخصه‌های کارآمدی و راهکارهای افزایش آن در نظام اسلامی
واژه کارایی و کارآمدی (اثربخشی) از مفاهیم جدید در عرصه علم مدیریت و سیاست است و انتظار نمی‌رود در متون و آثار گذشتگان - اسلامی و ایرانی و حتی غربی - به آن اشاره شده باشد. بنابراین، با توجه به نبود یا نادر بودن این واژه - در معانی مصطلح - در آثار و منابع اسلامی، این مفهوم ابتدا در نهج البلاغه، به عنوان عالی‌ترین منشور حکومت اسلامی، مورد کاوش قرار می‌گیرد، سپس با توجه به تجربه نادر بیست و شش ساله حکومت اسلامی در ایران، کارآمدی در این نظام بررسی می‌شود.

بخش اول: مفهوم کارآمدی در نظام سیاسی علوی
مفهوم اداره و تعبیر امروزی "مدیریت" در کلمات و بیانات امام علی علیه السلام با واژه‌هایی مانند: تدبیر، امره، قدرت، سید و سیادت و راعی به کار گرفته شده است. از سویی مفهوم "کارایی" با وجود تازه و عصری بودنش در نهج البلاغه نیز به طور اخص و صریح - اگر چه کمتر - مورد اشاره قرار گرفته و مضمون آن به خوبی در این زمینه به طور عام قابل مشاهده است. شایان ذکر است در حالی که پیشرفت و کارایی در سازمان و نظامهای غیر دینی و لائیک تنها با ملاحظات مادی سنجیده می‌شود، سازمانها و نظام سیاسی در اسلام، پا را از این ملاحظات مادی فراتر می‌نهد^۱ و فقط به فکر اهداف زودگذر و کوتاه مدت بر پایه ملاحظات اقتصادی و کارایی اقتصادی و مادی نیست و بدین وسیله هدفهای فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومت را تنها در پرتو محاسبات مادی نمی‌نگرد؛ بلکه ابعاد معنوی کارایی و شرافت انسانی و ارتقای کرامت بشری را نیز در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم مدنظر دارد و بیشترین بازده مادی را به گونه‌ای متقارن با افزایش بهینه و کارای بازدههای معنوی در نظر می‌گیرد.
امام علی علیه السلام به مفهوم کارایی اشاراتی اختصاصی دارد و نگارنده دست کم دو مورد آن را

۱. ر. ک: علامه محمد تقی جعفری، یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش، مندرج در: نگرشی در مدیریت در اسلام،

رؤیت و درک کرده است. لازم به ذکر است اصلی‌ترین واژه مترادف «کارایی»، در زبان عربی کلمه «نفاذیه» از مصدر ثلاثی مجرد «نفذ» است امام علی علیه السلام در حوزه مدیریت و حکمرانی اجتماع دقیقاً با کلماتی مشتق از آن، به کارایی و اثر بخشی اشاره کرده‌اند که عین این عبارات «نفاذهم» و «نفاذ» است. امام علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر داشتن کارایی را از مختصات و شرایط وزیران لایق بر می‌شمارد و در این فراز مهم (نامه ۵۳، بند ۱۷)، کلمه «نفاذ» را به معنای «کارا» و در نتیجه «نفاذهم» را به معنای «کاراترین» ایشان به کار می‌برد.^۱ همچنین در فراز دیگری با جمله: «من عدل نفذ حکمه»^۲، عدالت ورزی را مایه اثر بخشی و کارایی عملکرد حکومت به شمار می‌آورد.

شایان ذکر است که در زبان انگلیسی برای معنای کلمه «کار آمدی» از واژه Competence به معنای «صلاحیت» و «سزاواری» هم استفاده می‌شود. با این ملاحظه می‌توان به جرأت اذعان کرد امام علیه السلام با تاکیدى که همواره بر شایسته سالاری و گزینش شایسته‌ها داشت، در فرازهای متعددی با عباراتی، مانند: «صلاح الولاة، اصلحهم، خیرهم، اعلمهم، اقواهم، شفاعه الکفایه، و...» همواره اصرار داشت که صالح‌ترین، بهترین، عالم‌ترین، قوی‌ترین، و با کفایت‌ترین کاگزاران در رأس تدبیر و مدیریت جامعه قرار گیرند. از جمله دربندهای متعددی از نامه‌اش خطاب به مالک اشتر، گزینش فرماندهان، نویسندگان، منشیان و... را به انتخاب سزاوارترین و بهترینها منوط کرده است.^۳

علاوه بر جست‌جوی واژه کارآمدی در نهج البلاغه، می‌توان به مفهوم سازی در این باره پرداخت و با توجه با اینکه بسیاری از اندیشمندان معاصر همچون «لیپست» کارایی و کار آمدی را عملکرد حقیقی و واقعی حکومت یا بر آورده شدن کار ویژه‌های اساسی حکومت توسط نظام تعریف کرده‌اند، می‌توان کارآمدی را در معنای کار ویژه‌های اساسی حکومت و چگونگی ایفای بهینه آنها تبیین کرد.

۱. ر. ک: نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، نامه ۵۳، بند ۱۷، ص ۹۹۹.

۲. ر. ک: جمال الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۱۷۵.

۳. برای نمونه ر. ک: نهج البلاغه، پیشین، خ ۱۷۲، ص ۵۸۸؛ خ ۲۱۶، ص ۷۱۶.

کارآمدی به معنای ایفای بهینه کلیه کار ویژه‌های حکومت

از دو منظر عام و خاص می‌توان به دیدگاه‌های امام علی علیه السلام در موضوع کار ویژه‌های اصلی حکومت نگریست. در بخش‌هایی از نهج البلاغه مانند عهد نامه مالک اشتر، امام اهداف عالییه حکومت را در فرازهای کلی بر شمرده‌اند و در منظرهای خاص دیگر هم به صورت مباحثی فرعی، به مقاصد حکومت تصریح کرده‌اند. به عنوان ذکر نمونه‌های منظر عام، در خطبه ۱۳۱، اهدافی مانند احیای دین و حاکم ساختن شعائر، احکام و قوانینی الهی، بر چیدن آثار فتنه و فساد و استقرار صلاح، حمایت از بندگان مظلوم و محروم و اقامه حدود الهی اشاره شده است.^۱ از بیانات امام علی علیه السلام در خطبه ۴۰، نیز اهداف حکومت چنین استنباط می‌شود:^۲

۱. بستر سازی و تمهید حیات مادی و معنوی مومنان.
 ۲. تأمین حقوق سایر شهروندان و در امان بودن غیر مؤمنان و تأمین حیات مادی ایشان.
 ۳. تأمین امنیت و استیفای حقوق مردم به ویژه مظلومان جامعه.
 ۴. بسامان کردن نظام اقتصادی جهت اداره صحیح و توانمندانه جامعه و کشور.
- برخی از مؤلفان با ذکر مستندات فراوان از نهج البلاغه، اهداف و کار ویژه‌های حکومت را از دیدگاه امام علیه السلام به شرح زیر ذکر کرده‌اند:^۳
۱. تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم.
 ۲. احیا، احقاق و اقامه حق و دفع باطل.
 ۳. تحقق عدالت.
 ۴. تأمین امنیت.
 ۵. تحقق وحدت امت در پرتو حکومت و رهبری الهی.
 ۶. تأمین رفاه عمومی.

۱. ر.ک: نهج البلاغه، پیشین، خ ۱۳۱، ص ۴۰۶.

۲. ر.ک: همان، خ ۴۰، ص ۱۲۵.

۳. ر.ک: بهرام اخوان کاظمی، «آرمانهای حکومت در نهج البلاغه» حکومت اسلامی، شماره ۱۷، پائیز ۱۳۷۹،

۷. حفظ کرامت انسانی.

۸. وصول به تعامل صحیح و مثبت بین حکومت و مردم و کسب حداکثر رضایت آنها. بدیهی است میزان دست یابی به این اهداف و تحقق این کار ویژه‌ها، تعیین کننده میزان کارآمدی و کارایی حکومت می‌تواند باشد.

بخش دوم: شاخصه‌های مهم کارآمدی و کارایی در نظام سیاسی علوی

برای کارآمدی و کارایی می‌توان شاخصه‌هایی در نهج البلاغه تعریف کرد؛ البته این اشارات نوعی فهم و دریافت از کلام امام علیه السلام است و گر نه حضرت به طور مشخص به چنین تقسیماتی ذیل عنوان کارآمدی اشاره نکرده است؛ بلکه در حقیقت با تفسیر نهج البلاغه و تبیین مفهوم کارآمدی می‌توان چنین سنجه‌ها و اصولی را برای این واژه تعریف کرد که وجود آنها باعث افزایش کارایی و کارآمدی حکومت می‌شود در اینجا فقط به عناوین آنها - با ذکر یک شاهد از نهج البلاغه - اشاره می‌شود.

۱. اصل عدالت و عدالت ورزی: «هر کس عدل بورزد، حکمش نافذ و کارا می‌شود.»^۱
۲. اصل شایسته سالاری: «در استخدام کارکنان و فرمانروایان شفاعت و وساطت کسی را میپذیر، مگر شفاعت شایستگی و امانت داری خود آنها.»^۲ «سزاوارترین کس به خلافت، قوی‌ترین مردم نسبت به آن و داناترین آنها به فرمانهای خدا است.»^۳
۳. اصل تجربه گرایی: «کارگزاران خود را از صاحبان تجربه و مهارت که از خاندانهای صالح باشند، انتخاب کن.»^۴
۴. اصل نظارت و کنترل: «بازرسانی را با آنان اعزام کن که اهل راستی و وفادار باشند... آنان را بر

۱. خوانساری، پیشین، ج ۵، ص ۱۷۵.

۲. محمد مهدی شمس الدین، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، ص ۳۰۱.

۳. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۱۷۲، ص ۵۵۸، همچنین: خ ۷۳، ص ۱۷۱-۱۷۲، خ ۱۷۲، بند ۶، ص ۵۵۹ و ۵۶۰.

۴. همان، نامه ۵۳، بند ۴۳، ص ۱۰۱۱؛ بند ۸۷، ص ۱۰۳۴.

اساس خبرگی و شایستگی به کار بگمار؛ از روی روابط و امتیازات نابجا، آنا را به کار نگیر.»^۱
۵. اصل ضابطه و قانون گزایی به جای رابطه گزایی: در [خطاب به خلیفه دوم]: «سه چیز است که اگر به آن عمل کنی، تو را کفایت می‌کند و اگر ترک کنی، هیچ چیز تو را کفایت نمی‌کند: اقامه حدود بر نزدیک و دور، قضاوت بر اساس کتاب خدا در حال رضا و خشم، و تقسیم عادلانه بین قرمز و سیاه.»^۲

۶. اصل امانت داری، تکلیف گزایی و مسئولیت شناسی: خطاب به اشعث بن قیس استاندار آذربایجان «همانا پست استانداری وسیله آب و نان برای تو نیست؛ بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمان الهی و امام خویش پیروی کنی... در دست تو، مالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیزاست و تو خزانه دار آن هستی، تا به من بسپاری...»^۳

۷. اصل الگو بودن رهبران و مدیران و ساده زیستی آنان: «بر رهبران حق است که در خوراک و پوشاک، همانند ضعیف‌ترین مردم رفتار کنند، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند برخوردار نباشند، تا فقرا با دیدن رهبران، در آنچه هستند از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضعشان بیشتر شود.»^۴

۸. اصل کفاف و قناعت و پرهیز از اسراف: «میان‌ه روباش و از زیاده روی دست بردار، و امروز، فردا رابه خاطر آور و از مال چندان که تو را کارساز است، نگه دار و زیادی را برای روزی که تو را بدان نیاز است، پیش فرست.»^۵

۱. همان، بند ۴۳ و ۴۵، ص ۱۰۱۱.

۲. ر.ک: علی اصغر الهامی نیا، «نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی»، حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۵۴. همچنین ر.ک: نهج البلاغه، پیشین، خ ۲۱۵، بند ۲ الی ۷، ص ۷۱۴؛ نامه ۴۱، ص ۹۵۷ - ۹۶۰؛ نامه ۵۳، بند ۸۵، ص ۱۰۳۱.

۳. همان، نامه ۵، بند ۱، ص ۸۳۹، همچنین ر.ک: نامه ۲۶، بند ۶ و ۷، ص ۸۸۶؛ نامه ۴۰، بند ۱ و ۲، ص ۹۵۵؛ خ ۳۳، ص ۱۱۱.

۴. محمد باقر محمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۹. همچنین ر.ک: نهج البلاغه، خ ۲۰۰، بند ۴، ص ۶۶۳.

۵. همان، نامه ۲۱، بند ۱، ص ۸۷۲.

بخش سوم: کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران

مبحث اول: برخی مؤلفه‌های و نمادهای نا کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران طی بیست و شش سال گذشته توفیقات متعددی داشته است. با این وجود به اقرار مسئولان بلند پایه با معضلاتی روبه‌رو است که ضرورت پرداختن به حل آنها و افزایش کارآمدی این سامانه را توجیه می‌کند. بیشتر اندیشمندان و کارگزاران ضمن بحث از کارآمدی، به مؤلفه‌ها و نمادهای کارآمدی در کشورمان نیز اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه، حجت‌الاسلام حسن روحانی - دبیر (سابق) شورای امنیت ملی - با ورود در این مباحث، معتقد است:

«باید بتوانیم معضلاتی را که پیش روی نظام ماست حل کنیم و امید تازه به جامعه‌ای بدهیم که کم‌کم به سمت یأس و ناامیدی کشانده می‌شود.»^۱ وی بر این باور است که در این مقطع مردم ما از چند مشکل بزرگ رنج می‌برند که اگر نتوانیم در مدت معقول، آنها را حل کنیم، کارآمدی نظام و بالطبع مشروعیت آن زیر سؤال خواهد رفت. معضلات مزبور از دید ایشان اجمالاً بدین قرار است:

۱. اختلافات داخلی و فقدان اجماع نظر حتی در مباحث زیر بنایی.

۲. معضلات اقتصادی، شامل: کاهش ارزش پول ملی، تورم افسار گسیخته، کاهش قدرت خرید، عدم رشد مناسب سرمایه‌گذاری، چرخشهای سریع در سیاستهای اقتصادی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری و خروج و فرار سرمایه و مغزها، بحران اشتغال و نرخ دو رقمی بیکاری.

۳. گسترش فساد، شامل: فساد اداری و رشوه‌خواری، مفاسد اخلاقی، ایجاد شبکه‌های فساد، جنایات سازمان یافته و توسعه مفاسد اجتماعی و معضل مواد مخدر و ضعف برنامه ریزی سامان‌مند و پایدار برای حل این مفاسد.

۴. عقب ماندگی و علمی و تکنولوژیکی: طرح نظری و عملی موضوع جهانی شدن و گسترش حوزه ارتباطات امکان مقایسه بین کشورها را از حیث پیشرفت یا پسرقت افزایش

۱. حسن روحانی، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، راهبرد، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۹.

داده و ضرورت جبران این عقب ماندگی را که باعث شکسته شدن غرور ملی نخبگان فکری و جوانان کشور ما می‌شود، بیشتر کرده است، چنان که با عنایت به اینکه یکی از معانی مشروعیت، حقانیت است، در شرایط عقب ماندی و ناکارآمدی، حقانیت و صحت فکر و نظرات دینی و علمی ما هم، زیر سؤال خواهد رفت.^۱

محمد جواد لاریجانی از دیگر اندیشمندانی است که یکی از مؤلفه‌های اصلی ناکارآمدی را جانشین شدن حکومت کارپرداز و ناکارآمد به جای حکومت برنامه دار و کارآمد به شمار می‌آورد. در حکومت کار پرداز دولتها به حل مشکل می‌پردازند نه اجرای برنامه. چون عقلانیت مبنا نیست؛ لذا از کارآمدی خبری نیست، ضمن آنکه دولت در غیر از حوزه امنیت، صرفاً کارپرداز موضعی است و نمی‌تواند در زمینه‌های با «خطر بالا» و یا کارها و پروژه‌های بزرگ و ملی حضور داشته باشد. در این شیوه حکومت نوعی معامله و بده و بستان سیاسی و کار چاق کنی حاکم بوده و از برنامه، راهبرد (استراتژی)، مشورت خواهی خبری نیست.^۲

بدیهی است حرکت نظام جمهوری اسلامی از حکومت برنامه دار به سوی حکومت کارپرداز، یکی از مخاطرات اصلی کارآمدی آن می‌تواند باشد، چنان‌که حرکت معکوس، تقویت کننده کارآمدی خواهد بود.

از مدیریت و حکومت کارپرداز نیز با اسامی مدیریت هیأتی، رفاقتی، معاملاتی و ریش سفیدی نیز یاد می‌شود.

مبحث دوم: شاخصه‌های کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران

برخی از صاحب نظران، شاخصه‌های مزبور را از منظر کلان و جزئی مورد اشاره و بحث قرار

۱. ر.ک: همان، ص ۶-۳۶.

۲. شرح دیدگاههای دکتر محمد جواد لاریجانی در کتاب و مقالات زیر آمده است:

«حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی»، تهران، سروش، ۱۳۷۹؛

«حکومت دینی کارآمد با دموکراسی مشروع»، کیان، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۵، ش ۳۰؛

«حکومت، مشروعیت و کارآمدی»، سروش، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵، ش ۸۲۵، ص ۲۲-۲۴؛

«حدودت تسامح مدنی در نظام اسلامی»، مجلس و پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، ش ۲۴، ص ۸-۲۰.

داده‌اند، مثلاً گفته می‌شود کارآمدی معطوف به تحصیل شرایط رقابت در وضعیت جهانی شدن به مفهوم افزایش برتری در چهار زمینه است:

عقلانی بودن، به مفهوم اقتناع عقل بشری، قابل اثبات بودن با قواعد علمی.

زیبایی، به مفهوم جلب احساسات و عواطف بشری.

عملی بودن، به مفهوم موفقیت در مقام آزمون و تجربه.

تکیه به قدرت و ابزار پیام رسانی، به مفهوم اثرگذاری در افکار جهانی با تسلط بر ابزار و

فن آوری پیام رسانی.^۱

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد هر برنامه ریزی در راستای افزایش کارآمدی باید واجد ویژگیهای پیش گفته باشد. در اینجا به طور جزئی‌تر به ذکر شاخصه‌های کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

گفتار اول: دیدگاه مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری

مقام معظم رهبری در مبحث کارآمدی نظام در چند سال گذشته، دو گونه اشاره داشته‌اند؛ در منظری عام به راهبردهای اعتلای تمدن اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی و موارد تداوم بخش یا مُخل آن اشاره کرده‌اند^۲ و در منظری خاص- به ویژه یکی دو سال اخیر - ضمن اشاره به وظائف نظام سیاسی، شاخصه‌های کارآمدی آن را بیان کرده‌اند. ایشان با تأکید اساسی بر نوسازی معنوی و فرهنگی و عدالت محوری، در اردیبهشت ۱۳۸۰، نظام سیاسی دهساله نبوی در مدینه را نمونه کامل حاکمیت اسلام برای کلیه ادوار دانستند و هفت شاخص مهم و برجسته آن را «ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیشرفت دائمی» به شمار آوردند.

آیت‌الله خامنه‌ای در شهریور سال ۱۳۸۰، طی بیانات مبسوطی در جمع رئیس جمهوری و

۱. ر. ک: روحانی، پیشین.

۲. ر. ک: بهرام اخوان کاظمی، راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی، فصلنامه

هیأت وزیران با تحلیل جامع از نظام مطلوب مرد سالار دینی و ذکر مزیت‌های آن، نسبت به دمکراسی‌های غربی^۱، دیدگاه‌های خود را در مورد شاخصه‌های کارآمدی و ناکارآمدی نظام اسلامی و وظائف و ویژگی‌های الزامی آن بیان کردند.

ایشان دولت در نظام اسلامی را دولت کریمه دانستند و شرایط تحقق چنین دولتی را «عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذ ناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب، و بیان آرمانها و حرفه‌های نوبرای جامع بشری از جمله مردمسالاری دینی» اعلام و با تاکید بر لزوم کارآمدی دولت، تصریح کردند؛ فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرفه‌های خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است و برای تحقق این مهم باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد. از نظر ایشان، عوامل مؤثر در افزایش کارآمدی دولت به شرح زیر است:

۱. مغتنم شمردن فرصتها و استفاده کامل از آنها توسط دولت.
۲. انتخاب عناصر کاردان و کارشان به عنوان بازوهای اجرایی وزیران.
۳. تحت نظر داشتن دائم مدیران و نظارت دقیق بر آنها.
۴. پیگیری مستمر و قاطعانه مسائل و بازرسی دقیق امور.
۵. تمرکز بر مسائل مهم و برنامه ریزی مؤلفه‌های مانند:
الف) ایجاد اشتغال و رفع بیکاری.
ب) نوسازی صنعت.
ج) پیوند دانشگاه و صنعت.
د) خودکفایی دولت در مواد غذایی اصلی از جمله گندم، برنج و روغن.
۶. جلوگیری از طولانی شدن اجرای طرحها و تاکید بر ضرورت برنامه ریزی برای کاهش زمان اجرای آنها.
۷. اولویت کامل مسئله عدالت در همه سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیها و اجرای پروژه‌ها.

۸. پرهیز مسئولان از اشرافی‌گری و ممانعت از تجمل‌گرایی آنان برای تحقق عدالت و از بین بردن پیامدهای منفی این پدیده مذموم در فرهنگ عمومی.
 ۹. رعایت امانت و درستکاری توسط مسئولان و حفظ کامل و دقیق بیت المال و رعایت اولویتها در هزینه کردن اعتبارات به عنوان مصادیق امانت داری دولت و کارگزاران آن.
 ۱۰. مبارزه قاطع با مفاسد مالی و اقتصادی و هر نوع فساد، اسراف و تبذیر در دوایر مختلف و تحت هر نام و توجیه و ضرورت رعایت مفاد نامه ۸ ماده‌ای به سران سه قوه در این باره.
 ۱۱. پرهیز تمام مسئولان از گفتارها و کردارهای تشنج‌آفرین و موجد تهییج سیاسی.
 ۱۲. عدم تبدیل دولت و دستگاههای تابعه به مکان فعالیت و تبلیغ احزاب و گروههای سیاسی و ممانعت از پرداختن وزرا به کارهای حزبی، نفی سیاسی بازی و تقویت کارسیاسی متدینانه.
 ۱۳. ضرورت هماهنگی بیشتر بین اجزای مختلف دولت و میان دولت و سایر دستگاهها.
 ۱۴. تقویت و استقرار معنویت و اخلاق و افزایش تدین مردم به عنوان مهم‌ترین وظیفه دولت.
 ۱۵. جلوگیری از شیوع فساد و مقابله با تظاهر به بی‌دینی و مظاهر فساد.
 ۱۶. نظارت بر عملکرد دستگاهها.
 ۱۷. ضرورت پاسخگو بودن دولت، به معنای داشتن استدلال قانع‌کننده و تفکر منطقی برای طرح و برنامه و اقدام توسط دولت^۱.
- شایان ذکر است که رئیس‌جمهور (سیدمحمد خاتمی) در اولین گزارش ارزیابی برنامه سوم توسعه به مجلس، تأکید می‌نماید که توسعه یک کشور علاوه بر نیاز به اموری چون تفاهم همه جانبه مسئولان و مشارکت همه جانبه مردم در آن، نیازمند نظارت همه جانبه و پایدار و ارزش‌یابی است. وی در تشریح شاخصه‌های دولت کارآمد، معتقد است؛ آزادی عمل گسترده

مدیران از یک سو و نظارت و ارزش‌یابی همه جانبه از سوی دیگر بی‌شک یکی از ابزارهای مهم توسعه محسوب می‌شود که کشور در این برهه از حیات خود به شدت به آن نیازمند است. دولت کارآمد و شایسته از نظر ایشان، دولتی است که پذیرای نظارت، ارزش‌یابی، کنترل و بازرسی باشد و برای آن نظام سازی کرده و اجزای آن را به شکلی سازگار در خود نهادینه کرده باشد و به صورت مستمر عملکرد خود را در معرض قضاوت قرار دهد، چنین دولتی، دولت پاسخگو است.^۱

متأسفانه باید اقرار کرد با وجود توصیه‌های اکید مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری در زمینه ضرورت بازرسی و نظارت در کلیه امور کشور و با لحاظ این مسئله که نظارت از شاخصه‌های انکارناپذیر کارآمدی هر نظام مدیریتی و سیاسی است؛ ضعفها و نقائص آشکاری در این حوزه در کشور ما به چشم می‌خورد. در جمع بندی مشکلات و نارسایی‌های ساختار نظارتی کشور می‌توان به موارد زیر به اجمال اشاره کرد:

۱. گستردگی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری، تنوع وظائف و اهداف.^۲
۲. نبود نظام تبادل اطلاعات میان سازمان‌های نظارتی به صورت پویا.
۳. نبود همکاری و هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی در دسترسی به اهداف.
۴. نبود هماهنگی در سیاست‌گذاری مشترک میان سازمان‌های نظارتی.
۵. تصور وجود دوباره کاری و فعالیت موازی در دستگاه‌های اجرایی و نظارت شونده‌گان به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم.
۶. تصور وجود شکاف عمیق بین سازمان‌های نظارتی و دستگاه‌های اجرایی.
۷. نبود استانداردهای روشن در امر نظارت و کنترل.
۸. تلقی وجود بازرسی و نظارت‌های بازدارنده و غیر کارا.

۱. ر.ک: گزارش ارزیابی رئیس‌جمهور از برنامه سوم توسعه به مجلس، ایران، مورخ ۲۲ آبان ۱۳۸۰، ش ۱۹۴۵، ص ۱۳.
۲. نظارت بر دستگاهها و دواير جمهوری اسلامی امروزه از طریق سه قوه و بواسطه دوايري مانند؛ ديوان عدالت اداري، سازمان بازرسي کشور، ديوان محاسبات کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ريزي، معاونت هزینه وزارت امور اقتصادي، سازمان حسابرسی، وزارت هادگستری، و مؤسسه حسابرسی مفید راهبر صورت می‌گیرد.

۹. مشکلات زمینه‌ای و فرهنگی در نهادینه شدن امر نظارت و کنترل.
۱۰. نهادینه نشده استفاده از نظارت همگانی و حرکت به سوی خود کنترلی در دستگاه‌های اجرایی.

بدین ترتیب ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی نظارتی در هر دو زمینه داخل قوا و بین قوا و تعدد سازمان‌های نظارتی و مراجع متعدد تصمیم گیر و نبود ارتباطات اطلاعاتی بین سازمان‌های نظارتی، در کنار حرفه‌ای و تخصصی نبودن سازمان‌های یاد شده و نبود مرجع واحد برای تدوین استانداردها و یکسان سازی عملیات نظارت و حسابرسی، موجب خلل و خدشه نظارت بهینه و کارآمد در کشور شده است و بدیهی است رفع این موانع و معایب در تجهیز و تمهید نظارت پویا و معطوف به کارایی و کارآمدی نظام سیاسی بی اندازه مؤثر خواهد بود.

گفتار دوم: سایر دیدگاهها

شاخصه‌های کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران را از منظرهای جزئی‌تری نیز می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱. کاراکردن بیشتر فقه و نظام اسلامی با تکیه به اجتهاد پویا و شورای افتا.

فقه شیعی محور و مبنای حوزه‌های مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی در نظام جمهوری اسلامی است. موتور محرکه فقه حاضر، در حقیقت «اجتهاد فقها» است و بدیهی است کارایی و کارآمدی شیوه‌های اجتهادی به طور کاملاً مستقیم با کارآمدی این نظام مرتبط و متناسب است.

این واقعیتی است که «هنوز توان عظیم فقه، در گره‌گشایی معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات اسلامی فرد و جامعه به کار گرفته نشده، و بعضاً شناخته نشده است. پدیده‌های روز به روز زندگی در مقام استفهام و استفتاء از فقه اسلامی، طبعاً باید به پاسخی قانع کننده و حکمی قابل استدلال برسند.»^۱

۱. پیام آیت‌الله خامنه‌ای به کنگره دایرة المعارف اسلامی، کیهان، مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۷۲، ش ۱۴۹۸۳.

شیوه اجتهاد پویای امام خمینی علیه السلام در پاسخگویی به این معضلات بسیار راهگشا است. شیوه‌ای که با لحاظ موکد نقش زمان و مکان در اجتهاد، در مرحله نظری و عملی، تفریح و تطبیق در آن صورت می‌گیرد و پس از سنجیدن ابعاد قضایا و بررسی ویژگیهای موضوعات در بستر زمان و مکان، استنباط بر اساس منابع شناخت انجام پذیرد و بدین ترتیب هیچ رویدادی - در زندگی فردی، اجتماعی و حکومتی - بی پاسخ نمی‌ماند و شرایط زمان و مکان و احوال در تغییر موضوعات و احکام دخیل می‌گردند. این شیوه باغنا بخشی به فقه اسلامی از نظر پرداخت به فروع و مصادیق، حکومت اسلامی را در همه زمینه‌های اجتماعی و حکومتی، مبسوط الیذنگه می‌دارد.^۱

۲. منطقه فراغ دانستن شکل و شیوه حکومت، و تفکیک قلمروهای دینی از حوزه‌های تجربی و کاربرد عقل و منطق در منطقه مزبور.^۲

۳. کاهش تصدی دولت و مقابله با تمرکز، فربهی و توسعه دولت و تاکید بر مشارکت فعال مردم و جایگزین کردن و ترجیح اصل حاکمیت، سیاست‌گذاری و مدیریت و نظارت دولت به جای تصدی و تاکید بر دولت حداقل.

۴. محوریت بخشی به احزاب با صلاحیت در مدیریت کشور.

۵. جایگزین کردن حکومت برنامه‌دار به جای حکومت کارپرداز. حکومت برنامه‌دار سه رکن اساسی کارآمدی زیر است:

الف) داشتن تصویری واقع‌گرایانه و علمی از وضعیت (کارشناسی)

ب) داشتن استراتژی حساب شده و قابل ارزیابی.

ج) سازماندهی مناسب نیروها و قانونمداری رفتار آنها.

از این نگاه، توسعه که در وسیع‌ترین تلقی معادل کارآمدی است، دارای علائم زیر است:

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: بهرام اخوان کاظمی، «کلیاتی در باب اجتهاد و شیوه‌های آن»، فصلنامه انقلاب اسلامی،

سال اول، پیش شماره سوم، پائیز ۱۳۷۸، ص ۱۱۰-۱۴۱.

اخوان کاظمی، بهرام، «حوزه و روحانیت در سیره نظری و عملی امام علیه السلام»، امام خمینی و حکومت اسلامی، (روحانیت و اجتهاد و دولت)، ص ۹-۵۱.

۲. ر.ک: روحانی، پیشین.

یک. واقع‌بینی: این عامل همواره در پی تصویری هر چند نزدیک‌تر به واقع از وضعیت است و آن را ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهد؛ نه آنچه خود برای واقعیت می‌پسندد. دو. اصول‌گرایی: این عامل همواره سعی دارد در تنظیم مقاصد عملی و فعلی خود، توجیه آن را تا مقاصد عالی ترسیم نماید. سه. امکان‌سنجی: یعنی برنامه‌های اقدام و مقاصد عملی همواره امکان‌سنجی و متناسب با امکانات طراحی شود.

چهار. سازماندهی مناسب امکانات و استفاده مقتضی و به اندازه از آنها.^۱

۶. کاربری مدیریت علمی و جذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران و مدیریت حزبی و قبیله‌ای.

۷. نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و تحقق قانون اساسی.

تحقق قانون اساسی و نهادینه کردن و حاکمیت قانون به طور حتم نقش غیرقابل انکاری در فعلیت بخشی به تواناییها و کاراییهای هر نظام سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران دارد. قانون اساسی، پیمان نامه‌ای همگانی و میثاق عمومی است که سقف اجماعی زیست جمعی و ملی، در چارچوب واحد ملی را تشکیل می‌دهد. قانون اساسی مبانی و اصول دو امر بنیادین در یک نظام سیاسی و واحد ملی را برعهده دارد؛ مشروعیت و کارآمدی. قانون مزبور می‌کوشد با تنظیم و تدوین اصول لازم، دو نیاز فوق را به صورتی عام پاسخ گوید و تا جای ممکن زمینه‌های بحران‌سازی در نظام سیاسی را از بین ببرد و با سازوکار خود تنظیمی، ثبات، پویایی و باز تولید مداوم سامانه سیاسی را معیت کند؛ اما چون قانون اساسی مجمل و کلی است، نظامهای سیاسی با تقنین قوانین جزئی‌تر و وظیفه تحقق، شفاف‌سازی و عملیاتی کردن قانون اساسی را برعهده دارند تا علاوه بر تبیین، ابهامات، توازی و تداخلهای پیش‌بینی نشده کارکردی میان قوا و نهادهای حکومتی برطرف گردد. ضرورت عملیاتی و اجرایی کردن هماهنگ، منسجم، شفاف و

منجّر اصول قانون اساسی و حیطه‌های اختیارات و وظایف هر یک از قوا و نهادهای نظام سیاسی از جمله الفبای هر حکومت قانونی، مشروع و کارآمد است. برخی از حوزه‌ها و اصولاً قانون اساسی که نیازمند بررسی و ابهام‌زدایی قانون است، به شرح زیر می‌باشد:

الف) اصل ۵۷ و موضوع استقلال قوا: رابطه اصل استقلال قوا با اصول همکاری، هماهنگی، نظارت و پاسخگویی قوا باید به درستی و در عمل روش‌تر شود.

ب) اصول مربوط به رئیس جمهوری و اختیارات و مسئولیتهای وی؛ اصل ۱۰۷ و ۱۲۲ و ۱۱۳.

ج) اصل ۱۱۲، مربوط به مجمع تشخیص مصلحت: باید دقیقاً مشخص شود که آیا این مجلس، مشورتی یا قانون‌گذار است و غیر از وظیفه‌ای که قانون اساسی برای آن برشمرده است - داوری میان مجلس و شورای نگهبان براساس تشخیص مصلحت نظام و مشاوره دادن به رهبری برای ایفای بهینه وظائف ایشان - اختیار یا وظیفه دیگری هم دارد یا خیر؟

د) اصل ۹۹، مربوط به نظارت شورای نگهبان بر انتخابات: تقنین و تنجیز شفاف حوزه نظارت و اجرای این شورا در انتخابات مایه پیشگیری از تنش میان عملکرد شورای نگهبان و وزارت کشور و کشمکشهای ادواری آنها در موسم هر انتخابات خواهد بود که همواره هزینه‌های فراوانی را بر نظام تحمیل می‌کند.

ه) اصول مربوط به روابط قوه قضائیه با مجلس و مسئولیتهای وزیر دادگستری؛ اصول ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۸ و...: روابط قوه قضائیه با مجلس و دولت نیز نیازمند کارآمدسازی است. باید در قانون مشخص شود که اختیار و مسئولیت وزیر دادگستری چیست و قوه قضائیه با چه سازوکاری در مقابل ملت و نمایندگان آن پاسخگوست؟ اگر رئیس قوه قضائیه در برابر مجلس پاسخگو نیست، پس در برابر چه مرجع و نهادی پاسخگوست و سازوکار آن کدام است؟

۸. انجام بهینه کلیه وظائف حکومت بویژه تأمین امنیت به معنای وسیع کلمه.

۹. تقویت و گسترش جامعه مدنی و نمادهای مشترک و کسب وجهه بین‌المللی.^۱
۱۰. ضرورت پاسخگوبودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ بر عملکرد دستگاهها
۱۱. رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی.
۱۲. هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی.
۱۳. اتخاذ راهبردها و اهداف متناسب با قدرت ملی.

نتیجه:

همان‌گونه که در مقدمه هم اشاره شد، نمی‌توان برای هیچ نظامی مشروعیت، کارآمدی و کارایی قطعی قائل شد و ضعف و نقصان‌یابی کارآمدی به صورت طبیعی برای بسیاری از رژیمهای سیاسی اتفاق می‌افتد. با این وجود، ضعف و نبود کارآمدی مخاطره‌ای جدی برای هر نظام سیاسی است و باید هر چه سریع‌تر در رفع آن کوشید. از سویی کشور ما نیز بنا به اظهارات مسئولان بلندپایه و صاحبان اندیشه، در بخشهای و مدیریتهایی با ناکارآمدی روبه‌رو است و بدیهی است که با گسترش ارتباطات و تسهیل ارزیابی و مقایسه کارآمدی هر کشور توسط شهروندان با سایر کشورها و به دلیل جوانی بافت جمعیت ایران و افزایش نیازها و توقعات و بروز بحرانهایی مانند اشتغال و بیکاری و همچنین تبلیغات منفی بیگانگان، ابعاد این ناکارآمدیها خواه ناخواه پررنگ‌تر جلوه می‌کند و به همین دلیل توجه بیشتر به مخاطرات ناکارآمدی و لزوم مقابله نظری و عملی با آن از اهمیت بیشتری برخوردار است.

آنچه مسلم است در حکومت دینی، حتی نبود کارآمدی به معنای نبود و نفی مشروعیت نظام نیست، هر چند کارآمدی افزون‌تر و تقویت آن، در هر نظامی به توفتی مشروعیت آنها نیز می‌انجامد و در مورد کشور ما هم چنین است.

شایان ذکر است که مسئله کارآمدی در ادبیات دینی ما نیز بی‌سابقه نیست و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توان از روایات و به ویژه احادیث امام علی علیه السلام در این زمینه بهره

گرفت و شاخصهای کارآمدی را بدین صورت تعریف کرد که خوشبختانه این امر در این پژوهش تحقق یافته است و به طور جدی ضرورت دارد به رهنمودهای امام علیه السلام در این باره توجه شود.

در پاسخ به سؤال مرکب تحقیق، باید گفت "کارآمدی" در گرو کسب هدفهای تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به اهداف نقش دارند؛ اما "کارایی" در به کارگیری و تخصیص منابع تولید، در استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه و کمترین ضایعات برای هر میزان تولید است. همچنانکه بر اساس تعاریفی که اندیشمندانی مانند "لیپست" ارائه داده بودند، کارآمدی را به ایفای بهینه کار ویژه‌های حکومت نیز معنی نموده‌اند.

در حالی که پیشرفت و کارآمدی در سازمان و نظامهای غیردینی و لائیک تنها با ملاحظات مادی سنجیده می‌شود. سازمانها و نظام سیاسی در اسلام پا را از این ملاحظات مادی فراتر می‌نهند و فقط به فکر اهداف زودگذر و کوتاه مدت و بر پایه ملاحظات اقتصادی و کارایی مادی نیستند و بدین وسیله هدفهای فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومتی را تنها در پرتو محاسبات مادی نمی‌نگرند؛ بلکه ابعاد معنوی کارایی و شرافت انسانی و ارتقای کرامت بشری را نیز در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم مدنظر دارند و بیشترین بازده مادی را به گونه متقارن با افزایش بهینه و کارایی بازده‌های معنوی در نظر می‌گیرند.

باید خاطر نشان کرد که شاخص سازی برای مفهوم کارآمدی، دارای یک فرمول قطعی نیست و بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی و تحولات عرصه‌های مختلف، این شاخصها تغییر پذیرند، به ویژه همانگونه که امروزه همه به یقین باور دارند که الگوهای توسعه هر کشوری مختص خود آن کشور است و نمی‌توان به ارائه الگویی جزئی و کلیشه‌ای برای همه دول پرداخت، در مورد تحقق کارآمدی و تعیین شاخصه‌های آن نیز چنین امری صادق است. در توضیح شاخصه‌های مزبور از دید امام علی علیه السلام باید اشاره کرد که از یک طرف تحقق بایسته و بهینه کار ویژه‌های هشتگانه مذکور در متن، مایه کارآمدی است و از سوی دیگر از بیان امام علیه السلام دریافت می‌شود که شاخصه‌های زیر را می‌توان در تحقق و افزایش کارآمدی لحاظ کرد:

۱. عدالت و عدالت ورزی.
۲. شایسته سالاری.
۳. تجربه گرایی.
۴. نظارت و کنترل.
۵. ضابطه و قانونگرایی به جای رابطه گرایی.
۶. امانت داری، تکلیف گرایی و مسئولیت شناسی.
۷. الگو بودن رهبران و مدیران و ساده زیستی آنان.
۸. کفاف و قناعت و پرهیز از اسراف.

همچنین از مجموع دیدگاهها و راهکارهای مطروحه، برخی از شاخصه‌های دیگر کارآمدی بدین قرارند:

۱. تکیه بر اجتهاد پویا و طرح شورای اقتاء.
۲. نوسازی معنوی و فرهنگی با تکیه بر عدالت محوری.
۳. کاهش تصدی دولت و مقابله با تمرکز، فریبی و توسعه دولت و تأکید بر مشارکت فعال مردم.
۴. منطقه فراغ دانستن شکل و شیوه حکومت، و تفکیک حوزه‌های دینی از حوزه‌های تجربی و کاربرد عقل و منطق در منطقه مزبور.
۵. محوریت بخشی به احزاب با صلاحیت در مدیریت کشور.
۶. نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف سازی و تحقق قانون اساسی.
۷. انجام بهینه کلیه وظائف حکومت به‌ویژه تأمین امنیت به معنای وسیع کلمه.
۸. تقویت و گسترش جامعه مدنی و نمادهای مشترک و کسب وجهه بین المللی.
۹. تأکید برای حکومت برنامه‌دار و مقابله با حکومت کارپرداز، و معامله‌ایی.
۱۰. کاربری مدیریت علمی و حذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران.
۱۱. ضرورت پاسخگو بودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ بر عملکرد دستگاهها.
۱۲. رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی.

۱۳. هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی.

۱۴. اتخاذ راهبردها و اهداف متناسب با قدرت ملی.

لازم به ذکر است که استفاده از نظریات علم مدیریت و نظریه‌های توسعه جهت افزایش کارآمدی نظام هم راهگشاست. برای نمونه می‌توان با استفاده از نظریه کارکردگرایی ساختاری سیستمی، عوامل مخلّ عملکرد سیستم را در هر مرحله از عملکرد آن شناسایی و جهت افزایش کارایی با این عوامل مبارزه کرد یا بر حسب نظریه بحران، به تقابل با عوامل ایجاد کننده بحرانهای شش گانه "لوسین پای" برآمد و کارایی و کارآمدی بیشتر نظام سیاسی را به ارمغان آورد.^۱





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی

- رضائیان، رضا، اصول مدیریت، سمت، تهران ۱۳۷۹.
- میرسپاسی، ناصر، آیا در مدیریت دولتی اثر بخشی بر کارایی تقدم دارد؟ مدیریت دولتی، سال اول، پاییز ۱۳۶۶، ص ۸.
- گلریز، حسن، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، مرکز آموزش بانکداری، تهران ۱۳۶۸.
- نوروزی، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، مؤسسه کتاب پیشرو و انتشارات نگاه، تهران ۱۳۷۳.
- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، نشر البرز، ج هفتم، تهران ۱۳۷۴.
- رضائیان، علی، کارآمدی و کارایی مهمترین مسئولیت مدیران، فصلنامه دانش مدیریت، ش ۱۴، پائیز ۱۳۷۰.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سمت، تهران ۱۳۷۹.
- رابرت دال، تجزیه و تحلیل علم سیاست، حسین ظفریان، نشر مترجم، تهران ۱۳۶۴.
- حجابیان، سعید، مطالعه مشروعیت سیاسی، راهبرد، ش ۳، بهار ۱۳۷۳.
- گابریل، آلموند و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، علیرضا طیب، مرکز آموزشی مدیریت دولتی، تهران ۱۳۷۷.
- جعفری، علامه محمدتقی، یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش، مندرج در: نگرشی در مدیریت در اسلام، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران ۱۳۷۲.
- فیض الاسلام، سیدعلی نقی، نهج البلاغه، [بی نا]، تهران، ۱۳۵۱.

- خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۰.
- اخوان کاظمی، بهرام، آرمان‌های حکومت در «نهج البلاغه» حکومت اسلامی، شماره ۱۷، پائیز ۱۳۷۹.
- شمس‌الدین محمد مهدی، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۷۴، قم ۱۴۱۱ ق.
- الهامی نیا، علی اصغر، «نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی»، حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
- محمودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۷ ق.
- روحانی، حسن، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، راهبرد، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
- لاریجانی، محمدجواد، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، سروش، تهران ۱۳۷۹.
- لاریجانی، محمدجواد، «حکومت دینی کارآمد با دموکراسی مشروع»، کیان، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۷۵.
- لاریجانی، محمدجواد، حکومت، مشروعیت و کارآمدی، سروش، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵.
- لاریجانی، محمدجواد، حدود تسامح در نظام اسلامی، مجلس و پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
- اخوان کاظمی، بهرام، راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش سوم، بهار ۱۳۷۸.
- گزارش ارزیابی رئیس جمهور در برنامه سوم توسعه به مجلس، ایران، مورخ ۱۲ آبان ۱۳۸۰.
- اخوان کاظمی، بهرام، کلیاتی در باب اجتهاد و شیوه‌های آن، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم، پائیز، ۱۳۷۸.
- اخوان کاظمی، بهرام، حوزه و روحانیت در سیره نظری و عملی امام، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، زمستان، ۱۳۸۰.

- اخوان کاظمی، بهرام، امام خمینی و حکومت اسلامی، (روحانیت و اجتهاد در دولت)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران زمستان، ۱۳۷۸.

- Lucian W. Pay, Aspect of A Spectof Political Development, Boston, 1960.

- Lipset, "Political Wian, the social Basic of politics" Doubly 1959.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی